



|| شماره ۳ || سال اول || زمستان ۱۳۹۶ ||

## لور، تثبیت ایلخانان

حمیدرضا صفاکیش\*  
همایون حاتمیان\*\*

(صص: ۱۱۴ - ۱۰۵)  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۰۷  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۳

### چکیده

تاکنون پژوهش‌های دامنه‌داری در زمینه چگونگی رویارویی ایلخانان مغول و پایان دادن به کار عباسیان و اسماعیلیان صورت گرفته است اما هنوز زوایای ناگفته بسیاری نزد مورخان و محققان وجود دارد. آنچه مقرر است در این نوشتار بررسی شود زاویه‌ای متفاوت برگرفته از این پرسش است که آیا بخشی از رویارویی نظامی ایلخانان با عباسیان و اسماعیلیان در نقاطی رخ داده که به دور از برد پژوهشی مورخان و در پس پرده تاریک مانده باشد؟ نخستین فرضیه‌ای که به ذهن متبادر می‌شود آن است که سیاست تسخیر یا خرید قلعه‌های متعدد و نفوذ در کوهستان‌های مختلف توسط اسماعیلیان و همچنین یافتن راه‌های نزدیک برای نفوذ به بغداد توسط ایلخانان، جدال ایلخانان با اسماعیلیان و عباسیان را به کوهستان زاگرس جنوب غرب نیز کشانده باشد. براساس شواهدی که در دست داریم حکومت‌های محلی قرون ۵ و ۶ ه.ق. به شدت از آدمکشی‌های کوهستانیان اسماعیلی ترس داشتند. یکی از مناطقی که موقعیت مناسبی برای اسماعیلیان بود، کوهستان‌های شمال شهر لور بود که از طریق گذرگاه مهمی می‌توانست به بغداد وصل شود. این گذرگاه استراتژیک توانسته است مرکز ثقل سه دشمن دیرین باشد. ایلخانان بنا بر اسناد مغولی این بار هدفشان تنها نابود کردن مناطق و تاراج نبود، بلکه آمده بودند تا در آسیای غربی پیروزی‌های درخشانی به دست آورند، زیرا ده سال بود که قلمرو آنان در این سمت توسعه نیافته بود. وضع مغولان چنان متزلزل بود که پیوسته از دربار قآن استمداد می‌جستند و درخواست برچیدن حکومت خلفای بغداد و اسماعیلیه را داشتند. بر این اساس این بار با برنامه و نقشه‌های از قبل طراحی شده وارد ایران شده بودند. از طریق گذرگاه جنوب غرب شهر لور، هلاکو در دسامبر ۱۲۵۷ م. ۶۵۵/ ه.ق. نبرد علیه خلفای بغداد را آغاز کرد و در دهم فوریه سال ۱۲۵۸ م. ۶۵۶/ ه.ق. وارد بغداد شد. براساس اسناد و نقشه‌های ارائه شده در این مقاله، شهر لور به عنوان یک مرکز استراتژیک نقش مؤثری در غلبه ایلخانان بر دو دشمن دیرینه آن‌ها داشته است. مقاله حاضر پس از بررسی و اثبات شهر لور، به اهمیت سیاسی نظامی این شهر در رویارویی ایلخانان با عباسیان و اسماعیلیان می‌پردازد. شیوه کار براساس جمع‌آوری شواهد از اسناد باستان‌شناسی و کتاب‌های معتبر تاریخی و تحلیل و نتیجه‌گیری از آن هاست.

**کلیدواژگان:** ایلخانان، تزئینات گچ بری، نقوش تزئینی، امامزاده فضل بن سهل آوه.

\*. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول).

## مقدمه

شهر لور در موقعیت استراتژیکی واقع شده بود که از یک طرف در پای کوه می توانست نقش یک پایگاه لجستیکی را برای مبارزه با قلعه منگره<sup>۲</sup> که بر فراز کوه دز<sup>۳</sup> در کوهستان شمال شهر لور بود ایفا کند و از طرفی با استفاده از گذرگاه جنوب غرب این شهر، ارتش ایلخانی می توانست به سهولت از این گذرگاه عبور کرده و به مرکز خلافت یعنی بغداد دسترسی داشته باشد. براساس اسناد موجود، این گذرگاه در اعصار گذشته نیز وجود داشته و براساس مدارک باستانی، زمانی محل عبور ارتش آشوربنی پال<sup>۴</sup> برای جنگ با ایلام باستان و در عصر ساسانیان نیز گذرگاه مورد استفاده شاپور ساسانی برای رویارویی با روم در نبرد ادسه<sup>۵</sup> بوده است. در عصر اسلامی نیز اهمیت آن برای ایلخانان شناخته شده بود و هلاکو به خوبی و با استفاده از پایانه نظامی شهر لور توانست بخشی از عملیات نظامی خود را در کوهستان شمالی آن علیه اسماعیلیان و بخشی دیگر را از طریق گذرگاه جنوب غرب این شهر علیه دولت خلفای عباسی به کار گیرد.

پایگاه لور کمک کرد تا ایلخانان علاوه بر غلبه بر دشمنان اسماعیلی و عباسی، حاکمیت خود را تثبیت کنند. آن ها از همین پایگاه نیروی نظامی خود را متوجه دمشق و حلب کردند، زیرا مقصد بعدی آنان بعد از بغداد، یورش به سوریه بود. هلاکو با تقویت نیروهای خود از همین گذرگاه توانست عملیات نظامی خود را در سایر مناطق مورد نظر گسترش داده و پشتیبانی و هدایت کند. سپاه هلاکو به باروت چینی، فن منجینیق و جدیدترین تجهیزات مهندسی محاصره مجهز شده بود. کمانداران سواره هلاکو تحت فرمان سردارانی بودند که همراه سوبوتای و چنگیزخان به عملیات نظامی پرداخته بودند؛ سپاهی که از فرصت به دست آمده برای وارد آوردن ضربه به مسلمانان لذت می بردند. ایلخانان بغداد را غارت کردند و به دنبال آن خلیفه تسلیم شد. گنجینه های عباسیان غارت و به مقر خان مغول حمل شد. خلیفه به امر هلاکو به زیر سم اسبان افکنده و کشته شد و خلافت عباسیان پس از ۵ قرن به دست مغولان منقرض گردید. آنان از گذرگاه فوق، عملیات را تا دیگر بلاد در اطراف سوریه ادامه دادند تا اینکه پس از دریافت خبر مرگ منگوقاآن پیشرفت سپاه مغول متوقف شد و هلاکوخان به آذربایجان بازگشت. از پایگاه شهر لور نیز قلعه منگره تسخیر شد و این رویداد آغاز حضور جدی ایلخانان در قلعه منگره است و بعد از این از سال (۱۲۵۶ م/ ۶۵۴ ه.ق.) ایلخانان بسیاری از قلاع اسماعیلیان در سراسر کشور را محاصره کردند. در این میان مبارزه داخلی در محافل زمامداران اسماعیلیان جریان داشت و این خود تناسب نیروها را به نفع ایلخانان تغییر داد.

## پیشینه تحقیقاتی

اولین گزارش رسمی درباره شهر لور گزارش کوتاهی است که در مورد پیشینه تاریخی آن به بحث می نشیند (سگوند، ۱۳۸۵). سابقه فعالیت های باستان شناسی در محوطه لور فقط در سال ۱۳۶۴ ه.ش. توسط آقایان رهبر و مهرکیان یک فصل حفاری باستان شناسی شده و آثاری از اواخر ساسانی تا اسلامی میانی و متأخر به دست آمده، ولی گزارشی از نتایج آن منتشر نشده است. در ضمن پژوهشی درباره پل تاریخی لور نیز انجام پذیرفته است که پل لور را به دوره ایلخانیان نسبت می دهد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴).

## روش تحقیق

تحقیق حاضر براساس هدف، بنیادی و مبتنی بر روش تاریخی - تحلیلی انجام یافته است. گردآوری منابع و اطلاعات تحقیق با روش کتابخانه ای صورت پذیرفته و مطالب آن نیز از منابع معتبر موجود استخراج شده است.

### وجه تسمیه شهر لور

لور (Lur) شهری است که در عصر ساسانیان حیات داشته است و شاپور اول در حدود ۲۶۰ میلادی از آن دیدن نموده و مدتی در اطراف آن شهر به دلیل شرایط خوش آب و هوایی اطراق و از کوه شمال این شهر تنگوان، صعود کرده است (ویلسون، ۱۳۶۳: ۲۷).

معنای اصلی لور یعنی سرزمین مسطحی که در مسیر جریان سیلاب قرار دارد که باتوجه به آثار باقی مانده از این شهر هنوز هم در مسیر سیلاب قرار دارد و در لایه نگاری های باستانی محوطه آن کاملاً مشهود است. در تأیید این وجه تسمیه در برهان قاطع، لور زمینی دانسته شده که سیلاب آن را کننده است (تبریزی، ۱۳۶۲: ۵۸).

### موقعیت جغرافیایی

شهر لور در شمال شهرستان اندیمشک امروزی قرار دارد و ابن حوقل آن را در شمال خوزستان و پیوسته به جبال معرفی کرده و آب و هوای آن را کوهستانی و آن را شهری فراخ نعمت اعلام کرده است (ابن حوقل، ۱۳۶۶: ۲۹). هنری راولینسون معتقد است که صحرای لور در نزدیکی کوه تنگوان و در کنار دهکده صالح آباد (اندیمشک امروزی) واقع شده است و در نزدیکی اندیمشک چند تپه کوچک و خرابه هایی دیده می شود که احتمالاً بازمانده شهر لور و یا بلادالور می باشند. براساس نوشته های جغرافی دانان شرقی این شهر در دو فرسنگی اندامیشن قرار دارد (راولینسون، ۱۳۶۲: ۷۷). کتاب ظرائف و طرائف اندیمشک را سابقاً صالح آباد دانسته است (آبادی، ۱۳۵۷: ۵۶). در جغرافیای حافظ آبرو شهر لور داخل خوزستان دانسته شده و اکثر قسمت های آن کوهستانی به حساب آورده شده است (حافظ آبرو، ۱۳۷۸: ۹۹). در کتاب احسن التقاسیم آمده است در قرن چهارم هجری شهر لور در مرز کوهستان است و از جبال و سپس به خوزستان افزوده شده است و کارگاه های بافندگی بسیار دارد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۶). اصطخری جغرافی نویسی معتقد است از شهر لور تا شهر اندامیشن (اندیمشک امروزی) دو فرسنگ است (اصطخری، ۱۳۴۷: ۱۶۳). بارون دوبد در سفرنامه لرستان و خوزستان به عبور از محلی به اسم دشت لور و ورود به ارتفاعاتی اشاره دارد که در شمال باختری به جنوب خاوری امتداد دارد (دوبد، ۱۳۷۱: ۳۷۳). اسناد بالا حکایت از این دارد که لور شهری بوده است که از سمت شمال به سلسله جبال زاگرس می رسد و از جنوب دقیقاً در ابتدای جلگه خوزستان قرار دارد. و باتوجه به اینکه رودخانه دز در جهت شرق این شهر و رودخانه کرخه در جهت جنوب غرب آن قرار داشته و همچنین رودخانه فصلی بالارود در دره بالارود، در کنار شهر لور و موازی با کرخه جریان داشته است و باتوجه به شواهد باستان شناختی موجود در لایه های قابل مشاهده به نظر می رسد که این شهر در دوره اسلامی دارای سیستم آبیاری وسیع و پیشرفته و دارای اهمیت و اعتبار خوبی بوده است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۴). نام لور امروزه در یکی از بخش های شهر اندیمشک به نام کوی لور کاربرد دارد.

### موقعیت استراتژیک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی لور

همان طور که براساس اسناد نشان داده شد، شهر لور در دامنه کوهستان واقع است. این شهر به طور دقیق در جایی قرار دارد که رشته کوه زاگرس با انحراف به سمت شرق، جلگه ای شکل داده که خوزستان نامیده می شود. این شهر در نقطه آغازین جلگه خوزستان در حساس ترین نقطه این جلگه یعنی جایی که از یک طرف به زاگرس و از طرف دیگر به جلگه بین النهرین (عراق) متصل می شود، قرار گرفته است (تصویر ۱).

از طرفی نیز در هزاره های گذشته به دلیل پیشروی آب خلیج فارس و همچنین ایجاد هورهای باتلاقی با منشأ رود کرخه بهترین نقطه برای ارتباط با عراق گذرگاهی است که در جنوب غرب لور



تصویر ۱. دشت لور (www.google.com/maps).

قرار دارد. این جاده از عصر باستان نیز وجود داشته و آشوربنی پال در لوحه خود آورده است که: سربازان من در محلی که رودخانه کرخه وارد دشت می‌شد، از این رود عبور کردند (رو، ۱۳۸۱: ۳۶۹) و تمدن ایلام باستان را نابود کردند. این سند نشان می‌دهد که از دیرباز گذرگاه فوق وجود داشته است.

با بررسی شرایط جغرافیایی شمال خوزستان به سهولت می‌توان دریافت که زاگرس با عقب‌نشینی به طرف شرق، جلگه خوزستان را به وجود آورده است که دقیقاً در مقابل جلگه بین‌النهرین (عراق) قرار می‌گیرد.

حال این نکته حائز اهمیت است که شهر لور به طور دقیق در نقطه اتصال این دو جلگه و به عنوان یک گذرگاه مهم قرار گرفته است. با احتساب اینکه در قسمت شمال غرب رشته‌کوه زاگرس و در قسمت جنوب شرق باتلاق‌های موسوم به هور، مانع بزرگی در مسیر دو بخش تمدنی خوزستان و بین‌النهرین بوده‌اند، شهر لور می‌توانسته تنها گذرگاه بین این مناطق باشد. به نظر می‌رسد عامل شکل‌گیری این شهر در ابتدا همان موقعیت استراتژیک و جایگاه ارتباط تجاری، فرهنگی و نظامی خاص بوده که اوج اعتلا و شکوفایی این شهر در دوره اسلامی بوده است. بدون شک این گذرگاه مهم در عصر حاضر نیز همچنان موقعیت ویژه خود را حفظ کرده است، به طوری که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ه.ش. ارتش عراق از همین گذرگاه وارد خوزستان شد و هدف آن تسخیر مناطق مختلف استان خوزستان بود.

### شهر لور پایگاه نظامی ایلیخانان

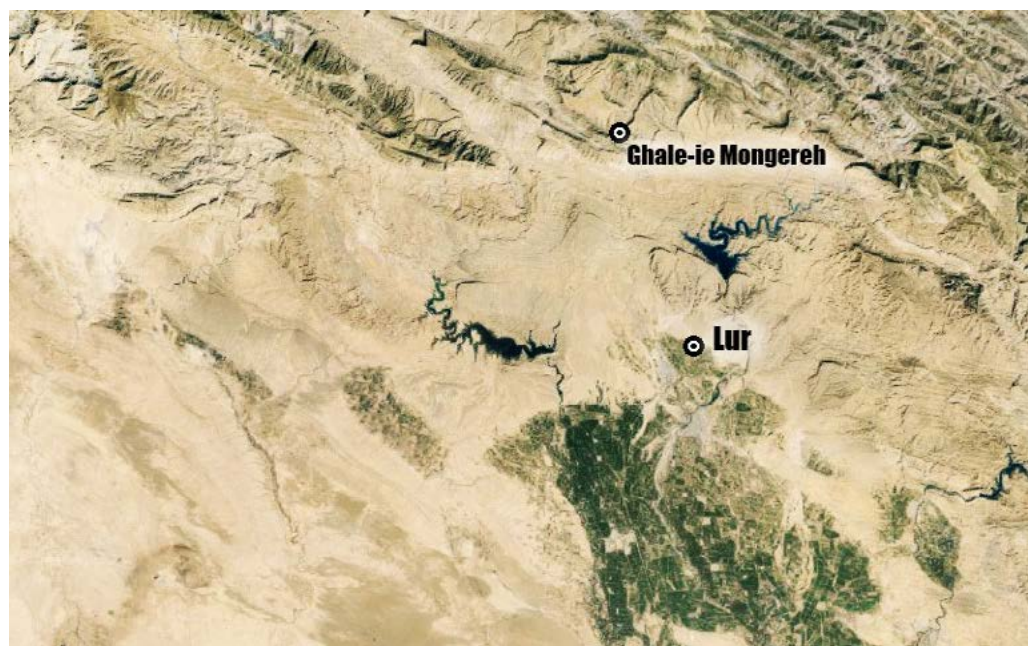
یورش ایلیخانان به ایران در ابتدای قرن سیزدهم میلادی/هفتم هجری نقطه عطفی در تاریخ به شمار می‌رود (مرتضوی، ۱۳۷۱: ۵۷۱). لشگرکشی هلاکوخان برخلاف چنگیز با طرح و نقشه‌ای از پیش پرداخته همراه بود. این بار تجربه به فرمانروای مغول نشان داده بود که برای ایجاد قدرت پایدار در ایران، برچیدن بساط خلافت بغداد و اسماعیلیان ضرورت دارد و آن‌ها می‌بایست به جای کشتار و تخریب بیهوده، این دو قطب متضاد دنیای اسلام را که به خاطر جنبه‌های مذهبی خویش،

مانع از استقرار فرمانروایی آن‌ها در ایران به شمار می‌آمدند از میان بردارد (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۵۲۴). بی‌گمان مادر هلاکو (سرقوبیتی بیگی) زنی مسیحی بود و همسر هلاکو (دوقوزخاتون) نیز به مذهب مسیحی ایمان داشت. کسانی که در این حمله به هلاکو کمک می‌کردند یکی اتباع مسلمانان مغول بودند که خواهان برافتادن اسماعیلیان بودند و دیگر ارامنه که به علت اختلاف مذهبی با مسلمانان تابع خلفای عباسی، مایل بودند که هلاکو بغداد را بگیرد (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۸۴: ۱۸۷). به دنبال آن هلاکو در سال ۱۲۵۸ م. لشکرکشی به بغداد، پایتخت خلفای عباسی را آغاز کرد (هال، ۱۳۸۰: ۱۰۹) و یکی از خطوط عملیات نظامی به بغداد، گذرگاه مهم شهر لور بود.

نبرد نهایی بغداد نسبتاً به سرعت پایان یافت و پس از یک محاصره ۵۰ روزه وزیران المستعصم برای او روشن کردند که تسلیم شهر تنها راه چاره است. سپاه خلیفه نابود شد و پایتخت عباسیان روز یکشنبه دهم فوریه ۱۲۵۸ م/چهارم صفر ۶۵۶ هـ.ق. به دست هلاکو خان افتاد (اشپولر، ۱۳۸۶: ۵۶) و به دنبال آن خلیفه تسلیم شد. آنچه عباسیان در طی چندین قرن گردآورده بودند به مقر خان مغول حمل شد و پیرامون آن انباشته گشت. خلیفه به فرمان هلاکو کشته شد. لشکریان مغول ضربه بعدی خویش را متوجه سوریه ساختند؛ حلب، دمشق و دیگر بلاد آن سرزمین را تسخیر کردند (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۳۴۱). هلاکو با کشور ارمنی کیلیکیه عقد اتحاد بادوامی بست و آن را زیر چتر حمایت خود گرفت (جمعی از خاورشناسان فرانسوی، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

اما براساس اسنادی در این زمان دیگر دشمن مذهبی و جدی ایلیخانان، یعنی اسماعیلیان نیز در کوهستان شمالی شهر لور حضور داشتند. حضور نظامی ایلیخانان در شهر لور، جنگ در دو جبهه بود؛ یکی جنگ در جنوب غرب از طریق گذرگاه شهر لور با خلفای بغداد و دیگر جنگ در کوهستان و به سمت شمال با اسماعیلیان ساکن قلعه منگره (تصاویر ۲ و ۳).

فعالیت اسماعیلیان تقریباً مقارن پیدایش سامانیان شکل گرفت. اوج فعالیت آنان در دوران سلجوقیان بود. پس از مرگ حسن صباح، اسماعیلیان با تسخیر، خرید یا بنای قلعه‌های متعدد دیگر قدرت خود را در جای جای کوهستان‌های ایران بسط و گسترش دادند (زرین‌کوب، ۱۳۹۰: ۵۰۸).



تصویر ۲. مکان جغرافیایی قلعه منگره نسبت به شهر لور (www.google.com/maps).



تصویر ۳. موقعیت جغرافیایی قلعه منگره برفراز قله دز (www.google.com/maps).

براساس اسناد موجود، قلعه منگره می‌تواند ادامه بسط و گسترش قدرت اسماعیلیان در دیگر کوهستان‌های ایران باشد.

قلعه منگره در ۷۵ کیلومتری شمال شهر لور به‌عنوان یک دژ مستحکم دارای مشخصات قلعه‌های اسماعیلیان است. این قلعه برفراز قله‌ای ۱۲۰۰ متری به‌نام دز در بخش الوار گرمسیری در منطقه گردشگری منگره و در غرب دهکده گرداب<sup>۲</sup> ساخته شده است. موقعیت قرارگیری، سبک معماری، مصالح استفاده‌شده و شباهت آن با سایر قلاع منسوب به اسماعیلیان و نیز آثار به‌جای مانده در محل دلالت بر این امر دارد. این قلعه یکی از قلعه‌های تاریخی است که احتمال دارد در میانه‌های قرن پنجم ه.ق. بنیان‌گذاری شده باشد. براساس گزارش حمدالله مستوفی این قلعه مدتی در دست شجاع‌الدین خورشید و برادرش نورالدین محمد بوده و دارالخلافه بغداد از ایشان قلعه را درخواست نمودند و دارالخلافه، ولایت طرازک از توابع خوزستان را در عوض قلعه به وی دادند (مستوفی، ۱۳۶۴: ۶۵۰).

همان‌طور که ذکر آن رفت، تسخیر یا خرید قلعه‌های متعدد و نفوذ در کوهستان‌های ایران یکی از سیاست‌های اسماعیلیان بوده است، ضمن اینکه بسیاری از سلاطین مناطق مختلف از آدم‌کش‌هایی که اسماعیلیان به مناطق مختلف می‌فرستادند بیم‌ناک بوده و به آن‌ها خراج می‌دادند (پیگولوسکایا و همکاران، ۱۳۵۴: ۳۳۶). به احتمال فراوان قلعه منگره نیز مشمول چنین رویدادهایی شده است.

قلعه منگره برفراز قله دز بر دره‌های اطراف خود مسلط است و راه رسیدن به بالای این قلعه منحصر به یک معبر سخت است که اهالی آن را «بزو» می‌گویند؛ یعنی راهی که فقط بز می‌تواند از آن بگذرد. سبک تدافعی ساخت این قلعه در نوع ساخت به صورت محلی، صعب‌العبور بدون مسیر دسترسی که از سه طرف به پرتگاه و از یک طرف به یک معبر سخت منتهی می‌شود و نیز در نوع سبک معیشت، بی‌نیازی از محیط اطراف و دارا بودن آب‌انبارها و سطح مسطح در ارتفاع بالا برای رفع نیاز غذایی - علی‌رغم وجود آب فراوان و زمین حاصل‌خیز در دره مشرف به کوه - (تصویر ۴) دقیقاً یادآور و منطبق بر شرایط ساخت قلعه‌های مشهور اسماعیلیان به‌عنوان متخصصان این فن مشخصاً در آن دوره مطرح است.

قلعه منگره طوری ساخته شده که دیوار شرقی آن مشرف به پرتگاه دز است. سطح کلی آن نزدیک به ۲۰۰۰ متر مربع و دارای ۱۲ اتاق است که طول و عرض هر یک ۵/۵×۴/۵ متر است. در ضلع



تصویر ۴. چشم‌انداز کوه دز واقع در منطقه منگره که قلعه منگره بر فراز آن واقع شده است (www.khouznews.ir).

شرقی شش مخزن برای ذخیره آب کنده شده و دیوار آن‌ها با سنگ و ملات آن با نوعی ساروج ساخته شده است (تصویر ۵).

دیدگاه قلعه طوری است که دشت شرقی که اینک با ایجاد سد دز آن را آب فرا گرفته به خوبی نمایان است. در کنار قلعه دز دره منگره قرار دارد و در نقطه‌ای به نام گرداب حجم زیادی از آب از عمق زمین خارج می‌شود و به دره می‌ریزد. آنچه که در آنجا به چشم می‌آید وجود آسیاب و مقابر است. بر اساس معماری و مصالح به کار رفته در آسیاب‌ها، قدمت آن‌ها به دوره ایلیخانان می‌رسد. آنچه مسلم است قلعه منگره که از نظر نظامی اهمیت ویژه‌ای داشته و همواره در آن برهه از تاریخ بر سر آن کشمکش و درگیری رخ داده، در یکی از مهم‌ترین دوران حیات خود در دست اسماعیلیان بوده است. نگارندگان معتقدند زمانی که پایان عمر اسماعیلیان به دست ایلیخانان رقم



تصویر ۵. ویرانه‌های قلعه منگره (گزارش انجمن میراث فرهنگی اندیمشک).

می‌خورد، سرآغاز حضور جدی ایلخانان در منطقه لور و به تبع آن قلعه استراتژیک منگره است. فتح این قلعه براساس پیش‌بینی درست ایلخانان توانست به‌عنوان کلید فتح این منطقه شناخته شود. سفال‌های ایلخانی لعاب‌دار فیروزه‌ای قرون ۷ و ۸ ه.ق. نشان از تسخیر این دژ تاریخی به‌دست ایلخانان و استقرار آنان در این محدوده دارد. آسیاب‌های پایین‌دست گرداب در دره منگره هم می‌تواند سند خوبی بر حضور ایلخانان در این منطقه باشد.

به احتمال فراوان ایلخانان با انتقال ادوات نظامی خود به شهر لور و تجهیز آن به‌عنوان یک پایانه نظامی که بعدها برای حمله نهایی به بغداد نیز از آن سود جستند، از این مکان به‌عنوان عقبه برای پشتیبانی در جدال با اسماعیلیان مستقر در قلعه منگره سود برده‌اند. ایلخانان مغول که می‌بایست با کمک مهندسان چینی مهارت بسیاری به‌کار می‌بردند تا منجنیق‌های خود را به بالای آن شیب‌های تند بکشانند (هال، ۱۳۸۰: ۱۰۹)، توانستند برگی دیگر از تاریخ حیات شهر لور را رقم بزنند و بر اسماعیلیان ساکن در قلعه منگره غلبه کنند.

بی‌گمان قلعه منگره، همان‌طور که ذکر آن رفت و همواره بر سر تصاحب آن کشمکش بود، پس از ایلخانان سهم گورکانیان شد و مورد تاخت و تاز گورکانیان (بدوانی، ۱۳۷۹: ۳۵۳) قرار گرفت.

### نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده در این پژوهش، که با هدف روشن شدن سایر مراکز نظامی و جنگی ایلخانان در جدال با عباسیان و اسماعیلیان انجام پذیرفت، این نتیجه به‌دست آمد که براساس اسناد تاریخی ارائه شده شهر لور با قرار گرفتن در ابتدای گذرگاهی که از جنوب به شهر بغداد و از کوهستان شمالی به قلعه منگره می‌رسد، به‌عنوان یک مرکز مهم مورد استفاده ایلخانان قرار گرفته است. پیروزی‌های ایلخانان بر عباسیان و اسماعیلیان فقط با انتقال مداوم قوا از پایگاه نظامی در این منطقه میسر بود و ایلخانان برای تسخیر قلعه منگره اسماعیلیان و حمله به عباسیان بغداد و تثبیت تصرفات خود، پایگاه نظامی در دشت کهن لور پدید آوردند و قوایشان را در آن مستقر نمودند. شهر لور با این‌که در ابتدا توسط ایلخانان با اهداف نظامی به‌کار گرفته شد، در نهایت به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده آنان قرار گرفت. شهری که براساس شواهد تاریخی در دوره پس از اسلام احیاء گشته و حیات خود را از سر گرفته است.

### پی‌نوشت

1. Lur
2. mongereh
3. Dez
4. Ashurbanipal
5. Edessa
6. Cilicia
7. Gardab

### کتابنامه

- آبادی، باویل (۱۳۵۷). *ظرائف و طرائف یا مضاف و منسوب‌های شهرهای اسلامی و پیرامون*. تبریز: انتشارات انجمن، استادان زبان و ادبیات فارسی.
- ابن‌حوقل (۱۳۶۶). *سفرنامه‌های حوقل*. ترجمه و توضیح: جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶). *تاریخ مغول در ایران*. ترجمه محمود میرآفتاب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



- اصطخری، ابوالسحق ابراهیم (۱۳۴۷). *المسالك الممالک*. به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۴). *تاریخ مغول (از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اکبری، حسن. مرادسلطان، محمدشریف. میراسکندری، سید محمود و کرمی، حمیدرضا (۱۳۹۴). «سازه‌آبی لور اندیمشک، یادگاری برجمانده از دوران ایلخانی». *مجله باغ نظر*. دوره ۱۲. شماره پیاپی ۳۳. صص: ۶۸-۵۹.
- بدوانی، عبدالقادر (۱۳۷۹). *منتخب التواریخ*. به تصحیح: مولوی احمد صاحب، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر ملی.
- پیگولوسکایا، ن. و و همکاران (۱۳۵۴). *تاریخ ایران*. ترجمه کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۶۲). *برهان قاطع*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- جمعی از خاورشناسان فرانسوی (۱۳۹۲). *تمدن ایرانی*. ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حافظ ابرو (۱۳۷۸). *جغرافیای حافظ ابرو*. مقدمه، تصحیح و تحقیق: صادق سجادی، تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- سگوند، اردشیر (۱۳۸۵). «لور، شهری که تنها نامی از آن برجاست». *مجله حافظ*. نیمه دوم مرداد ۱۳۸۵. شماره پیاپی ۳۳. صص: ۴۵-۴۳.
- دوبد، کلمنت آگوستوس بارون (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. ترجمه محمدحسین آریا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰). *روزگاران*. تهران: انتشارات سخن.
- راولینسون، سرهنری (۱۳۶۲). *سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان)*. ترجمه سکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.
- رو، ژرژ (۱۳۸۱). *عراق باستان*. ترجمه عبدالرضا (هوشنگ) مهدوی، تهران: نشر بیکان.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*. به اهتمام: عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مقدسی، احمد (۱۳۶۱). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علینقی متروی، تهران: انتشارات شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- مرتضوی، منوچهر (۱۳۷۱). *مسائل عصر ایلخانان*. جلد ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ویلسون، سرآرنولد (۱۳۶۳). *سفرنامه یا تاریخ سیاسی و اقتصادی جنوب غربی ایران*. ترجمه و تلخیص حسین سعادت نوری، تهران: وحید. چاپ دوم.
- هال، مری (۱۳۸۰). *امپراتوری مغول*. ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: انتشارات ققنوس.

- Abadi, B. (1979). *Zaref va Taraef or attributes of Islamic cities and surrounding areas*. Tabriz: Press of Anjoman Farsi.

- Akbari, H. & Morad Soltan, M. S. & Mirskandari, S. M. & Karami, H. R. (2015). "Watery structure of Lur in Andimeshk, memorial stayed from Ilkhanids period". *Journal of Bagh Nazar*, Vol. 12, No. 33, P.P. 59-68.

- Badvani, A. (2000). *Montakhab altavarikh*. To effort of Molavi Ahmad Saheb. Tehran: Press of Anjoman Asar Va Mafakher.

- Dohed, K. A. B. (1992). *Travelogue of Lorestan and Khuzestan*. Translate by Mo-hamad Hoseyn Aria.
- Eghbal Ashtyani, A. (2005). *History of Mughal (from the Genghis attack to formation of the Timurid government)*. Tehran: Amir Kabir press.
- Eshpolder, B. (2007). *History of Mughal in Iran*. Translate by Mahmood Miaaftab. Tehran: Scientific and cultural press.
- Estakhri, A. (1962). *Masalek Va Mamalek*. To effort of Iraj Afshar. Tehran: Bongah Tarjomeh Va Nashr Ketab press.
- Group of French Orientalists. (2013). *Iranian civilization*. Translate by Eisa Behnam. Tehran: Scientific and cultural press.
- Hafez Abrou. (1999). *Geography of Hafez Abrou*. To effort of Sadegh Sajjadi. Press of Miras Maktob.
- Hal, M. (2001). *Mogul Empire*. Translate by Nader Mirsaadi. Tehran: Phoenix press.
- Ibn Hoghel. (1988). *Travelogue of Ibn Hoghel*. Translate by Jaafar Shoar. Tehran: Amir Kabir press.
- Maghdasi, A. (1983). *Ahsan Altaghasim Fi Maarefat Alaghlum*. Translate by Ali Naghi Metravi. Press of Moalefan Va Motarjeman Iran.
- Mortazavi, M. (1992). *Issues of Qajar Age*. Tehran: Press of Markaz Nashr Dane-shgahi.
- Mostofi, H. (1986). *Tarikh Gozideh*. To effort of Abdolhoseyn Navaii. Tehran: Amir Kabir press.
- Pigoloskaya, N. (1976). *History of Iran*. Translate by Karim Keshavarz. Tehran: Payam press.
- Raorinsen, S. H. (1984). *Travelogue of Raorinsen*. Translate by Sekandar Aman Allahi Baharvand. Tehran: Agah press.
- Row, Z. (2002). *Ancient Iraq*. Translate by Abdoreza (Hoshang) Mahdavi. Tehran: Peykan press.
- Saqvand, A. (2006). "Lur, city that is only name it remains". *Joyrnal of Hafez*, No. 33, P.P. 43-45.
- Tabrizi, M. H. (1984). *Borhan Ghate*. Tehran: Amir Kabir press.
- Zarinkob, A. (2011). *Rozegaran*. Tehran: Sokhan press.
- Vilson, A. (1985). *Travelogue Or political and economic history of Southwestern Iran*. Translate by Hoseyn Saadat Nori. Tehran: Vahid press.
- ([www.google.com/maps](http://www.google.com/maps)).
- ([www.khuznews.ir](http://www.khuznews.ir)).